

تسلیح تجزیه‌طلبان نقض منشور ملل متحد است

اذعان رئیس‌جمهور امریکا بر ارسال حجم گسترده تسلیحات به گروهک‌های تجزیه‌طلب‌کُرد یک «قرار صریح» و نقض بنیادین اصل عدم مداخله و منشور ملل متحد است



اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

اعتراف ترامپ مبنی بر اینکه «ما سلاح دادیم تا آنها (کردهای تجزیه‌طلب)، به ایران برسانند»، ثابت‌کننده عنصر هدایت و کنترل است. حتی

کنوانسیون‌های حمل‌ونقل بین‌المللی را فدای پروژه‌های تخریبی و تجاوز کارانه خود کرده است.
■ زمینه‌سازی برای آشوب، نقض حقوق بشر و تعهدات ایجاد آشوب داخلی در یک کشور از طریق ارسال سلاح، مستقیماً حق بر صلح و حق بر حیات شهروندان را نشانه می‌گیرد. از منظر حقوق بشر، دولت‌ها تعهداتی نسبت به کل جامعه بین‌المللی دارند که یکی از مهم‌ترین آنها عدم اقدام برای بی‌ثبات‌سازی جوامع است.

ارسال سلاح با نیت آشوب و هرج‌ومرج داخلی در ایران، در واقع تلاشی برای نقض حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست. طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، هر گونه تحریک به خشونت و تسلیح گروه‌های غیرقانونی برای مقابله با نظم عمومی، جرم محسوب می‌شود.
اعترافات ترامپ نشان می‌دهد؛ واشینگتن کاملاً آگاهانه و بنا بر غرض در پی ایجاد یک فاجعه انسانی و امنیتی در داخل ایران بوده است؛ اقدامی که می‌تواند به عنوان جنایت علیه صلح در محاکم کیفری بین‌المللی مورد پیگرد قرار گیرد.

■ مسئولیت مدنی و حق مطالبه غرامت ایران

بر اساس قاعده حقوقی «هر خسارتی باید جبران شود»، ایران از منظر حقوق بین‌الملل حق دارد برای هزینه‌های ناشی از مقابله با این توطئه تسلیحاتی، تقاضای غرامت کند. این غرامت شامل هزینه‌های اطلاعاتی_ عملیاتی برای رصد و توقیف این سلاح‌ها، خسارات معنوی به اعتبار مرزها و مهم‌تر از همه آنچه در دو روز زستان بر ایران گذشت و تهدید امنیت ملی است.
اقرار ترامپ، بار اثبات را که معمولاً در پرونده‌های جناسوسی و امنیتی بسیار دشوار است، با ارسال مخفیانه سلاح به بازیگران غیردولتی، عملاً سیستم «گواهینامه کار بر نهایی» را که پایه اصلی تجارت قانونی سلاح در جهان است، دور زده است. این اقدام واشینگتن در قواعد بین‌الملل تحت مصداق «قاچاق سازمان‌یافته دولتی» شناخته می‌شود. از دیدگاه حقوق تجارت، هر گونه ترانزیت کالا که بدون اطلاع و اندک‌دولت‌های صاحب قلمرو (عراق و سوریه) و با هدف دور زدن مبادی عمرگمکی انجام شود، نقض حاکمیت اقتصادی و امنیتی منطقه است.

ترامپ با اعتراف خود، فاش کرد رژیم امریکا در قامت یک کارگزار بازار سیاه سلاح عمل کرده است و قواعد سازمان جهانی تجارت و

غیرنظامی و تخریب گسترده اموال بدون ضرورت نظامی را در فهرست جرائم قابل تعقیب قرار داده است.

ابعاد اقتصادی چنین حملاتی صرفاً در سطح داخلی باقی نمی‌ماند و در سطح نظام مالی و تجاری بین‌المللی نیز اثرگذار است. کاهش امنیت سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های بیمه و اختلال در زنجیره تأمین جهانی انرژی از پیامدهای مستقیم تأثیری در این بخش محسوب می‌شود. این وضعیت در نهایت به افزایش فشار اقتصادی بر جامعه غیرنظامی منجر می‌گردد و اصل حمایت از غیرنظامیان را با چالش جدی مواجه می‌سازد. بررسی قواعد حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه نشان می‌دهد هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی، در صورتی که کارکرد نظامی مستقیم و فوری نداشته باشند، در دایره ممنوعیت قطعی قرار می‌گیرد. تفسیر ضیق از مفهوم هدف نظامی در اسناد بین‌المللی، مانع از آن است که تأسیسات تولیدی غیرنظامی در زمره اهداف مشروع نظامی قرار گیرند و هرگونه توسعه این مفهوم بدون وجود معیارهای حقوقی دقیق، زمینه نقض گسترده حقوق غیرنظامیان را فراهم می‌سازد.

جمع‌بندی حقوقی این موضوع بر پایه اصل حمایت: از غیرنظامیان، اصل تفکیک و اصل تناسب استوار است. حمله به زیرساخت‌های پتروشیمی در هر سطحی که انجام گیرد، در صورتی که فاقد ضرورت نظامی مستقیم باشد، در تعارض با قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد و مسئولیت بین‌المللی برای اعلان آن ایجاد می‌کند. این مسئولیت شامل پاسخگویی در برابر نهادهای قضایی بین‌المللی و جبران خسارات مادی و معنوسوی وارده بر جمعیت غیرنظامی است.

در نهایت، تحلیل حقوقی این دست اقدامات بیانگر آن است که امنیت اقتصادی و معیشتی جوامع در دوران خاصه، در امتداد حمایت از حق حیات قرار دارد و اختلال در این ساختار، آثار حقوقی گسترده‌ای به همراه دارد و در چارچوب حقوق بین‌الملل معاصر، قابل اغماض تلقی نمی‌شود. استمرار چنین رفتارهایی، نظم حمایت از غیرنظامیان را با چالش‌های بنیادین مواجه می‌سازد و ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی و قضایی بین‌المللی را برجسته می‌کند.

شاید بر اتون سؤال شده که

❓ کمیسیون‌های حقوق بشر به چه کاری می‌آیند؟ وقتی نام «کمیسیون‌های حقوق بشر» به گوش می‌رسد، بسیاری از مردم دقیقاً نمی‌دانند این نهادها چه کار می‌کنند، چه اختیاراتی دارند و اساساً حضورشان چه تأثیری در زندگی روزمره شهروندان می‌گذارد. آیا این کمیسیون‌ها صرفاً نهادهایی تشریفاتی‌اند که بی‌بانه صادر می‌کنند، یا ابزارهایی عملی برای پیگیری شکایات و نظارت بر اجرای قوانین محسوب می‌شوند؟ نگاهی به ساختار و کارکرد این نهادها در قاره‌های مختلف نشان می‌دهد پاسخ، پیچیده‌تر از یک تصور ساده است.

❓ کمیسیون‌های حقوق بشر چیست؟ کمیسیون‌های حقوق بشری معمولاً نهادهایی مستقل یا نیمه‌مستقل هستند که با هدف نظارت بر رعایت حقوق بنیادین انسان‌ها فعالیت می‌کنند. این حقوق می‌تواند شامل حق دسترسی برابر به خدمات عمومی، منع تبعیض، آزادی بیان در چارچوب قانون، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، زنان یا افراد دارای معلولیت باشد. در بسیاری از کشورها، این کمیسیون‌ها بر اساس قانون ملی تشکیل شده‌اند. در سطح فراملی نیز برخی قاره‌ها دارای نهادهای منطقه‌ای هستند که به شکایات شهروندان درباره نقض حقوق بشر رسیدگی می‌کنند یا وضعیت کشورها را بررسی و گزارش می‌کنند.

❓ کارکردهای کمیسیون‌های حقوق بشر چیست؟ یکی از مهم‌ترین وظایف کمیسیون‌های حقوق بشر، دریافت و بررسی شکایات شهروندان است. برای مثال، اگر فردی مدعی شود که در محل کار، مدرسه یا یک اداره دولتی مورد تبعیض قرار گرفته، می‌تواند به این نهاد مراجعه کند. کمیسیون پس از بررسی اولیه، ممکن است وارد فرآیند تحقیق شود، از طرفین توضیح بخوهد یا حتی پرونده را به مرجع قضایی ارجاع دهد. در برخی کشورها، این کمیسیون‌ها اختیار دارند میانجی‌گری کنند؛ یعنی پیش از آن‌که پرونده به دادگاه برسد، تلاش می‌کنند اختلاف را از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل کنند. این رویکرد می‌تواند هم از اطاله دادرسی جلوگیری کند و هم هزینه‌های طرفین را کاهش دهد.

بسیاری از کمیسیون‌های حقوق بشر وظیفه دارند وضعیت رعایت حقوق شهروندان را در حوزه‌های مختلف بررسی کنند و گزارش‌های دوره‌ای منتشر سازند. این گزارش‌ها ممکن است به موضوعاتی مانند شرایط زندان‌ها، وضعیت دسترسی به آموزش یا نحوه اجرای قوانین مرتبط با اقلیت‌ها بپردازد. در سطح منطقه‌ای، کمیسیون‌های قاره‌ای معمولاً گزارش‌های سالانه منتشر می‌کنند که در آن عملکرد کشور‌های عضو بررسی می‌شود. این گزارش‌ها الزام‌آور قضایی نیستند، اما می‌توانند مبنای اصلاح قوانین یا سیاست‌ها قرار گیرند و توجه افکار عمومی را به برخی مسائل جلب کنند. این نهاد در بخش مهم خود، آموزش را جای داده است. بسیاری از کمیسیون‌های حقوق بشر برنامه‌های آموزشی برای کارکنان دولت، نیروهای اجرایی، دانش‌آموزان و حتی عموم مردم برگزار می‌کنند. هدف از این برنامه‌ها، افزایش آگاهی درباره حقوق قانونی و مسئولیت‌های شهروندی است. به‌عنوان نمونه، ممکن است کارگاه‌هایی درباره منع تبعیض در محیط کار، حقوق کودکان در مدارس یا حقوق مصرف‌کننده برگزار شود. در واقع، پیشگیری از نقض حقوق، گام مؤثرتر از رسیدگی پس از وقوع تخلف است.

❓ آیا ساختار کمیسیون‌ها در قاره‌های مختلف یکی است؟

ساختار و اختیارات این کمیسیون‌ها در قاره‌های مختلف یکسان نیست. در برخی مناطق، کمیسیون‌های منطقه‌ای می‌توانند پرونده‌ها را به دادگاه‌های تخصصی حقوق بشر ارجاع دهند. در برخی دیگر، نقش آنها بیشتر مشورتی و نظارتی است. برای مثال، در اروپا یک نظام حقوق بشری منطقه‌ای وجود دارد که شامل یک دادگاه فعال است. در آفریقا و امریکا نیز سازوکارهای منطقه‌ای شکل گرفته‌اند که کمیسیون‌ها و دادگاه‌هایی را در بر می‌گیرند. در آسیا، چنین سازوکار یکپارچه‌ای



کمتر دیده می‌شود و بیشتر کشورها از طریق نهادهای ملی به این موضوع می‌پردازند.

این تفاوت‌ها ناشی از شرایط تاریخی، حقوقی و توافق‌های میان کشورهاست. با این حال، وجه مشترک همه آنها تلاش برای ایجاد سازوکاری رسمی جهت رسیدگی به ادعاهای نقض حقوق انسانی است.

❓ آیا این کمیسیون‌ها قدرت اجرایی دارند؟ یکی از پرسش‌های رایج این است که آیا کمیسیون‌های حقوق بشر می‌توانند حکمی الزام‌آور صادر کنند؟ پاسخ بستگی به نظام حقوقی هر کشور یا منطقه دارد. برخی کمیسیون‌ها صرفاً توصیه ارائه می‌کنند، در حالی که برخی دیگر می‌توانند جریمه تعیین کنند یا دستور اصلاح رویه بدهند. در مواردی نیز پرونده باید برای صدور حکم نهایی به دادگاه ارسال شود. بنابراین، کارآمدی این نهادها تا حد زیادی به میزان استقلال، اختیارات قانونی و همکاری سایر دستگاه‌ها وابسته است.

❓ تأثیر کمیسیون‌ها بر زندگی روزمره مردم چیست؟ شاید فعالیت این کمیسیون‌ها در نگاه اول دور از زندگی روزمره به نظر برسد، اما در عمل می‌توانند بر موضوعاتی ملموس تأثیر بگذارند؛ از شرایط محیط‌های کاری گرفته تا دسترسی برابر به خدمات عمومی. اگر شهروندی داند نهادی وجود دارد که می‌تواند شکایتش را بررسی کند، احساس امنیت حقوقی بیشتری خواهد داشت. از سوی دیگر، انتشار گزارش‌های عمومی می‌تواند به اصلاح قوانین یا تغییر برخی رویه‌های اجرایی منجر شود. هر چند این تغییرات معمولاً تدریجی است، اما در بلندمدت می‌تواند بر کیفیت حکمرانی و اعتماد عمومی اثر بگذارد. ■ ■ ■

کمیسیون‌های حقوق بشر، چه در سطح ملی و چه منطقه‌ای، نهادهایی هستند که با هدف نظارت، رسیدگی به شکایات و ترویج آگاهی حقوقی فعالیت می‌کنند. میزان اختیارات و اثرگذاری آنها در ساختار مختلف جهان متفاوت است، اما فلسفه وجودی‌شان یکسان است؛ یعنی ایجاد سازوکاری رسمی برای صیانت از حقوق بنیادین انسان‌ها. شاید بسیاری از مردم تا زمانی که با یک مشکل حقوقی روبه‌رو نشوند، نام این کمیسیون‌ها را نشنوند، اما همین که چنین نهادی در ساختار حقوقی کشورها پیش‌بینی شده، نشان‌دهنده اهمیت موضوع حقوق بشر در نظام‌های حقوقی معاصر است.